

سعید خود محمدی خیرآبادی


بسم الله الرحمن الرحیم

در آفاق حماسه عاشورا

نویسنده:

سعید خومحمدی خیرآبادی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
در آفاق حماسه عاشورا ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
وجه تسمیه عاشورا ----- ۶
حماسه عاشورا در آیینه تاریخ تشیع ----- ۶
قیام امام حسین ----- ۱۲
حماسه عاشورا در منظر ادیبان ----- ۱۵
حماسه عاشورا در آیینه انقلاب اسلامی ----- ۱۹
نقش حماسه عاشورا در ادبیات (شعر) دفاع مقدس ----- ۲۲
اسوه های اخلاقی در حماسه عاشورا ----- ۲۵
اشاره ----- ۲۵
مروت ----- ۲۶
ایثار ----- ۲۶
مساوات ----- ۲۶
انتخاب انقلابی حر ----- ۲۷
بانوی کربلا ----- ۲۹
رسالت امام سجاد ----- ۳۰
عظمت قیام امام حسین ----- ۳۱
عاشورا «یوم الله» است ----- ۳۵
نتیجه گیری ----- ۳۶
درباره مرکز ----- ۳۹

در آفاق حماسه عاشورا

مشخصات کتاب

عنوان : در آفاق حماسه عاشورا

پدیدآورندگان : امام سوم حسین بن علی(ع)(توصیف گر)

خودمحمدی خیرآبادی، سعید، ۱۳۵۱-(پدیدآور)

ناشر : سعید خودمحمدی خیرآبادی

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : قیام عاشورا

تاریخ تشیع

وجه تسمیه عاشورا

در کتاب های لغت چنین آمده است: عاشورا با (الف مقصوره) و عاشوراء با (الف ممدوده) را روز دهم و بعضی روز نهم دانسته اند. زهری گفته است: جز در چند مورد، اسمی که بر وزن فاعولاء باشد شنیده نشد.از ابن بزرج نقل شده: «ضاروراء» به معنای «ضرّا» (سختی) و «ساروراء» به معنای «سرّا» (گشایش و شادمانی و «دالولا» به معنای «دلّال» به کار رفته است.صاحب مجمع البحرین در این باره گفته است: «عاشورا یک نام اسلامی است و آن روز دهم محرّم است و گاهی «الف» بعد از «عین» حذف می گردد و «عشورا» تلفظ می شود».نیز گفته اند: عاشورا کلمه ای است عبری و معرّب «عاشور» که دهم تشری یهود باشد که روزه آن روز «گپور» [کفّاره] است و چون آن روز را به ماه های عربی انتقال دادند،روز دهم اولین ماه تازیان شد.چنان چه در ماه های یهود هم در اولین ماه و روز دهم است.

حماسه عاشورا در آیینه تاریخ تشیع

عاشورا با تاریخ تشیّع آمیخت و چهره ای نو به آن داد. بی تردید، پایداری و بقای شیعه، وامدار آن شد. ده ها قیام در تپش آن احساس، پدید آمد و میلیون ها شیعی با آن واقعه کام گشودند و یا نفس بستند.این نوشته دکتر ابراهیم حسن را می توان به

صدق نزدیک یافت:«تشیع پس از رویداد عاشورا با خون شیعه آمیخت و در ژرفای جان هایشان جوشش زد و اعتقادی راسخ دردرونشان، پدید آورد».هم چنین باید از این سخن فیلیپ حتّی یاد کرد که مبدأ ظهور حرکت های شیعی در دهم محرم تکوین یافت.این تحلیل ها، بر تحقیق استوارند. قیام عاشورا، صورت و سیرت شیعه را دگرگون کرد و به آن بار و پشتوانه حماسی داد و تشیّع به نهضت، اعتراض و

قیام مبدّل گردید.در پرتو آن قیام، رخنه ای در جبهه متحد خصم اموی پدید آمد و اوّلین درگیری های ِساختگی و واقعی را در میان آنان به وجود آورد. اظهارات یزید در نکوهش ابن زیاد، برخوردهای خانوادگی بین زنان و مادران خاندان اموی با شوهران وفرزندانشان و... نمونه هایی از این مواردند. در ندامت و تأسف و اعتراض عده ای از شرکت جویان در سپاه اموی، نکاتی در منابع تاریخ نقل شده است.اوّلین زمزمه های اعتراض در روزهای اوّل حادثه، شنیده شد. از سوی صحابه و تابعین، عمل کرد امویان ناپسند دانسته شد. مردم کوفه و شام و مناطق میان راه درسوگ واقعه سهیم شدند، در کوفه با اعتراض عبدالله بن عفیف قیامی نه چندان وسیع، امّا هشدار دهنده، رُخ داد. در مدیه، شیون و ناله شهر را فرا گرفت.در این میان، اهل بیت حسین سازماندهان اعتراض بودند، خطبه های آنان شعله های گداخته در خشم نهفته مردم بود. خطابه های امام سجاد، زینب کبرا و...تأثیری حساس و بازماندنی در جاودانگی حادثه داشتند. مورخان گفته اند:«بعد از هر خطبه ای، مردم با گریه و نوحه، به ضجّه و زاری می پرداختند و زنان، موهایشان را پریشان می کردند...»این مجموعه، اوّلین عقب نشینی ها را در کاخ رفیع فرعونی اموی همراه داشت.اجازه اقامه عزا به اهل بیت در شام، بازگشت محترمانه کاروان از شام به مدینه و... از آن جمله اند. امّا حادثه عاشورا در پرده این تزویرها مدفون نماند. واقعه گدازنده تر از آن بود که عذر و مداهنه، آن را به فراموشی سپرد. اهل بیت پیامبر (ص) در سوگواری ماندند و آتش در خانه هایشان افروخته نشد و رنگ سیاه ماتم، از آنان رخت برنبست.مادران و زنان سوگوار واقعه عاشورا اندوه حادثه را

نگاه داشتند. رباب، همسر حسین بن علی (ع) یک سال در بیابان و بدون خانه و سقف زیست، تا یادآور پیکر بی پناه همسرش باشد. سوگ ام البنین، دشمنان قسی ّالقلب خاندان هاشمی را از جا می کند و این رویدادها و تصویرها، ترسیم بدیع از روایت کربلاـ بود. آنان که این واقعه را ندیـده بودنـد،در این نمودارها آن رخ داد حزن انگیز را به انـدوه عبرت و دریغ نشسـتند و در خـاطر و باورشان، نشاندنـد.نهضت های توّابین، قیام مردم مـدینه، شورش مختار و... از شـعله عاشورا پرتو گرفتنـد و در ترکیب خون و پیام آن، فرصت حضور یافتند. در نهضت توّابین، شراره بلند آن، نمایان بود. قیام کنندگان در کنار مزار حسینی چندان گریستند که گفته شد: بیش از آن روز، در کنار آن مزار گریه ای چنین، دیده نشد. آنان خونابه دل را از دیدگاه بیرون ریخته و غم ِ مانـدن و در کنـار حسـین (ع) نبودن را، بـا توبه ای خونین جبران کردنـد. آنان درخون خویش خضاب کردنـد و با جان خود وداع نمودند و در صـحنه جهاد، شعار «یالثارات الحسین» را با خروش می سرودند. گرچه آن نهضت در خون تپید، امّا بار عـاطفی – حماسـی قیـام عاشورا را یادآور شـد و در وجـدان امّت شـیعی، به یادگار نهاد که اثری کم بها بود.با این اعتراضات، شـاخه سـفیانی بانـد اموی، زمینه دوام نیافت.فرزنـد یزیـد، ا زکردار نیاکـان، تبری جست و واقعه عاشورا را شـرمساری خانـدان خویش دانست امّـا حـادثه عـاشورا از نهضت علیه یـک شـاخه و یـا یـک نظـام حکومتی،خارج شـده بود. عاشورا از قالب ها و ظاهرها گذر کرده و در باطن فرهنگ دینی، ره یافته بود، کربلا و شهادت،

دو واژه هم آوا شدند. یاد عاشورا تب و تاب شـهادت را می آفرید. در قیام های منتهی به سقوط سلطنت اموی، رگه های آثار قیام عاشورا، پدیـدار بود. در جنبش زید و فرزند او، تلالؤ خون رنگ آفتاب حسـینی رُخ نمود.در قیام اعتراض آمیز خراسانیان – که به خلافت عبّاسـیان انجامیـد – دعوت به اهل بیت، جذب قلوب می کرد و یاد مظلومیّت حسـینی، عواطف و احساسات را بر می انگیخت. به نوشـته امیر علی:«واژه «اهل بیت» سـحر و افسونی را می ماند که دل ِ گروه های گوناگون مردم را گردآورد و آنان را در لوای پرچم سـیاه (رأیت قیام) قرار داد»سـلطنت جدیـد (خلافت عبّاسـی) به آن وفادار نماند. هنوز چندی نگذشـته بود که عـاشورا و ملوکیّت، در دو جبهه مقابل قرار گرفتنـد. خلفای عبّاسـی به انهـدام مزار و منع زوارحسـینی کوشـیدند و کار پیشـینیان را دنبال کردند. کربلا و عاشورا، جبهه معارض آنان بود،رنگ سیاه و سبز نمی شناخت، با باطن و هویّت حکومت ها کـار داشت. بی رونقی مزار، از رونق آن نمی کـاست. خـالص ترین و زیبـاترین نمـایه های عشق و شـیفتگی را در این تاریـخ، مظلومان شـیعی به یادگار نهادند. در این روزگار بود که کربلا، حج اصـغر شد و در عرفات آن صحرای بی نام و نشان، مرد و زن در جوّ بیم و هراس، در احرام خونین بودنـد.در روزگار عبّاسـیان نهضت های گوناگون از قیام عاشورا مدد گرفتند. در قیام ابوالسـرایا – در زمان خلافت مأمون – این تأثیرپـذیری نمایان بود. گفته اند: «او با سـپاه به کربلا آمد و در جوار مزار امام جای گرفت و از اهل بیت و ظلم های رفته بر آنان،سخن گفت».این نمونه، نشانه ای از آن بود که مزار امام، میقات قیام

بود. قـدرت منـدان، آن را به کینه گرفتنـد و بـا عـاشورا و سـنّت آن، ناسازگـاری نشـان دادنـد.در دوره افول قـدرت عبّاسـی و حاکمیّت آل بویه، احیای عاشورا از ممنوعیّت درآمـد.در سـلطنت فاطمیین نیز، بزرگ داشت آن حادثه، مرسوم شد. در هر دو نقطه، این رسم پایدار نماند، با سـقوط آل بویه و صـعود سلجوقیان به قدرت، رسم پیشین زنده شد و در منطقه مصر، سرنگونی فاطمیـان به دست ایّوبیان، آن رسم و سـنّت را برچیـد. امّا این دوره ها فرصت بسط و شـمول سـنّت عاشورا بود و بایستی آن را دوره هـایی مبارک برای احیای خاطر عاشورا دانست.این فرصت ها، دوره رسـمی شـدن سـنّت عاشورا نیست. آن را نبایستی با این زاویه دیـد و متهم و محکوم کرد. عناصـر عاشورا و کربلا و شـهادت، نیازمند آن بودند که در دوره های آرام، جذب نیرو کننـد و به بسط و شـمول در معتقـدات و روان نسل جدیـد جهان اسـلام بپردازند. نسـلی که در دوره انبساط خودگرایی و اوج تمـدّن اســلامی می زیسـت و کـم و بیش از گذشــته تلـخ تاریـخ ســلطنت، بی اطلاـع و یـا کـم اطلاـع بـود. دوره آل بـویه و فاطمیین،فرصت هایی بودنـد که این تبلیغ، میسور شـد. آن نسل، کم و بیش دریافتند که در گذشـته تاریخ چه انجام شده و آن گذشـته، چگونه به حال، پیوند می خورد و هویتی مسـتقل و جدید را می طلبد.این سـخن، در دوره های اخیر نیز صادق است. صفویـان در پرداخت به قـالب عـاطفی عـاشورا تلاـش کردنـد هر چنـد آن را در بُعـد حماسـی کم بهـا انگاشـتند، امّا این دوره فرصت، زمینه ای شد که جان سکنا گزین در این مرز و بوم، با نام و یاد و

تربت و بوی حسینی، هم آمیز شود و چنین شد که حسین و عاشورا در میان جمعیّتی هماره در تبعید ورنج، محدود نبود، بلکه اکثریتی عظیم را در برگرفت و بسیاری از خیزش ها و تلاش ها از میان نسل این اکثریت، جوانه زد و رُخ نمود. این سخن به معنای تطهیر صفویان نیست.آنان در سلسله ملوکیّت و پادشاهی می زیستند و با دیانت، نیامیختند، امّا نبایستی ازبهره هایی که از آن دوره گرفته شد، غافل ماند. تشیّع، پس از یک دوره جنگ و گریز، درعهد صفویه تمرکز یافت و این مرکزیّت، به باروری و گردآوری میراث هزار ساله شیعی انجامید.

قیام امام حسین

امام حسین (ع) و برادر بزرگ ترش امام حسن (ع)، به مدّت پنج سال در دامان حضرت رسول اکرم (ص) و دختر ایشان پرورش یافتد. پس از مرگ این دو حضرت علی (ع)، با توجّه و مراقبت از این دو چنان کرد که هر دو الگوی رفتاری اسلامی شدند.امام حسین (ع) اندیشمندی والا، اهل عمل و سازنده بود. او شناخت عمیقی از قرآن و سنّت حضرت رسول اکرم (ص) و جانشینان او داشت. هیچ کس نمی توانست در شخصیت والای امام (ع) تناقضی ببیند. آن حضرت در زهد همتا نداشت. او شخصیتی بی نظیر و تجسّم عینی یک مسلمان واقعی و معتقد بود.امام حسین (ع) خالصانه معتقد بود که کتاب خدا و رسالت پیامبر تنها راه نجات،رضایت، صلح و پیشرفت بشری است. برای ایشان قابل تحمّل نبود که در حکومت اسلامی مردی منحرف و بی تعهد، از بالاترین قدرت برخوردار باشد. امام تأکید می فرمود که برخورداری از یک شخصیت اخلاقی نیکو به تنهایی برای یک دولتمرد در مقام خلافت کافی نیست، بلکه خلیفه

می بـایست مروّج حق باشـد و حکومت را بپـذیرد و با مسئولیت کامل انجام وظیفه کنـد.امام (ع) دریافت که حکمران جـدید مردی است که از تربیت صـحیح - که از نشـانه هـای حکم رانان مردمی است - بهره ای نبرده و اعمال او موجب خفّت اسـلام است.امام با حمایت از اصلاحات و قیامی مؤثر، حکم ران جدید را به مبارزه فرا خواند. با این هدف بی درنگ به دعوت مردم کوفه و عراق پاسخ مثبت داد.در این جا می بایست تأمل کرد و به تصـمیم امام حسـین (ع) اندیشـید. برخی از نویسـندگان قیام امام حسـین (ع) یک «خلیفه مقبول» را نوعی بی سـیاستی می داننـد و معتقدنـد که مقابله با قـدرت امویان بدون آمادگی کافی یک اشتباه بوده است. به نظر آنها این عمل بیشتر «جاه طلبانه» بوده است تا عاقلانه. آنان معتقدند که امام بسان دولتمردان عمل نکرده و نگرش ایشان نسبت به این قضیه عاقلانه نبوده است. بنا به گفته خود یزید،امام حسین (ع) آن آیه قرآن کریم را از یاد برده بود که می فرمایـد: «خداونـد که مالک همه چیز است قدرت را به هر آن کس که بخواهد می بخشد و از هر که بخواهد دریغ می کند،مقصود یزید آن بود که خداوند اراده کرده بود که او (یزید) رهبر حکومت اسلامی باشد.پاسخ این است: اسلام و واقع گرایی ای که اسـلام منـادی آن است این دسـتاویزها را نمی پـذیرد. آنـان واقع بین نمی توانـد بفهمـد که این مکتب به اصـطلاح پیشـرفته فکری نوظهور در تاریخ اسلام به چه دلیل امام حسین (ع) را مسئول این واقعه شوم قلمداد می کند و چگونه عمل یزید را توجیه می کند. آیا منظور این افراد آن است که تمامی قیام ، تفکر و عمل امام

حسـین (ع)، در آن برهه حساس تاریخی سیاسـی اسلام اشتباه محض بوده است؟ آیا قیام علیه حاکمی که جلوسش بر تخت از پیش و به نحو مشکوکی تعیین شده بود بی سیاستی بود؟ اگر حب ّقدرت انگیزه قیام امام بود، آن حضرت ابتدا کسانی راگرد خود جمع می کرد که از نظر عقیدتی موافق او بودند. امام حسـین (ع) مشاهده کرد که بخشی از جامعه مسلمانان در شمال زیر نظر حکومتی اداره می شـد که آشـکارا تعـالیم وسنّت حضـرت پیـامبر (ص) را نفی می کرد، آیـا اعتراض و مبارزه علیه چنین حکومتی،عاقلانه و شایسـته یـک دولتمرد نبود؟ مردم متّقی و صـلح دوست را با اعمال شـریرانه و به زور ارعاب وادار به بیعت کرده بودنـد. آیا امام (ع) نباید به مسـئولان هشدار می داد؟ امام پیش بینی کرد که اگر ایمان به قدرت حیاتی و ویژگی اسـلام نـابود شود، نسل های آینـده نخواهنـد توانست تصور کننـد که اسـلام اوّلیه چه بوده و چگونه نظامی داشـته است. آیا این پیش بینی درست نبود؟ و بالاـ ّخره تمسّـک یزیـد به قرآن مجیـد برای توجیه رفتـارش نسـبت به خانـدان بنی فـاطمه و حامیـان آنها حرکتی سیاست مدارانه بود تا کینه و عناد او را پنهان کند.ظاهراً هنگامی که سـر سـید الشـهداء را به یزید نشان دادند، او آیه: (قـل اللهم ّ مالـک ِ المُلک..) را خوانـده است. کنایه از آن که امام حسـین (ع) این مسـئله را «نادیـده» گرفته است که خـداوند مالک کاینات است و قـدرت را به هر که بخواهـد واگـذار می کند. امّا یزیدخود از همان آغاز حکومت با مخالفت، اعتقاد به عظمت پروردگار را زیرپا گذاشته بود و تنها معتقد به یک چیز بود و آن این

که وی برگزیده پروردگار است. امام حسین (ع) بارها به او و دیگران یادآور شده بود که اصول قرآن باید در تمام شؤون زندگی اعمال شود، نه فقط در بخشی از آن. یزید آشکارا در گمراهی بود. پیوندهای امام حسین (ع) با حضرت محمّد (ص)، وارستگی شخصی او شناخت اصول اسلام و خود وجود او در اوج وقایع هراس انگیز دمشق سبب شد که آن حضرت برای نجات کشتی جامعه و حکومت که درحال غرق شدن بود، مسئولانه اقدام کند.

حماسه عاشورا در منظر ادیبان

ادبیات ملل، با موادّ تاریخی می آمیزند و تاریخ های گوناگون، ادبیات و سبک متفاوت را می آفرینند. تاریخ سکون و عشرت، تخیّلات لهوآلود را پدید می آورد. و واژه ها در بستر رخوت می غلتند و... امّا ادبیات شیعی، از اقیانوس عواطف و حماسه عاشورا بهره می گیرد و به آن وامدار می شود.از ابتدای واقعه، شاعران شیعی از آن حادثه مدد گرفتند و عناصر تخیّل را به آن رویداد مظلومانه، آمیخته و سرشك دیده را با خون های مطهر، عجین کردند و از شعر شیعی، سلاح بُرّان ساختند.کمیت اسدی، چکامه های زیبایی در احیای آن حماسه سرود و از آن، در قصائد خود یاد کرد. در قصیده خویش گفته بود:وقتیل بالطف غودر عنه بین غوغاء امه وطغام و شهیدی به طف رها شده بودمیان گروهی فرومایه و احمق و اوباش او جبهه معارض حسینی را افشا کرد و نشان داد که چگونه سفلگان و بی هنران، مرکب اهداف زورمداران شدند. پس از این سروده بود که امام سجاد (ع) فرمود: ما از ادای پاداش تو ناتوانیم، خداوند به تو پاداش دهد.در روزگاران شهادت زید، ابو ثمیله أبّار، در رثای او گفته بود:والنّاس قد أمِنوا وآل محمّد من بین

مقتول ٍ وبین مُشَرّدِما حُجّه ٔالمستبشرین بقتله بالامس أو ما عذر اهل المسجدمردم در امتّیت به سر برند و اهل بیت پیامبریا در خون تپیده اند و یا آواره عذر شادمان دیروز شهادت او (زید)و بهانه مسجدیان (در سکوت) چیست؟ابو ثمیله، با این سرود اشاره ای آشکار به واقعه عاشورا داشت و آن حادثه را درخاطره ها به یاد می آورد.در روزگار امام صادق (ع) بهره وری از حادثه عاشورا در شعر شیعی نمایان تر شد وآن امام همام، به این حضور، عنایت ویژه داشتند. گفته اند: جعفر بن عفان، به محضر امام آمد و حضرت صادق (ع) او را نزدیک خواند و فرمود: ابی جعفر به من گفته اند که تو در رابطه با حسین (ع) شعر می گویی و نیک می سرایی، لذا برای من برخی از اشعارت را بخوان و او چنین خواند:لبیک علی الاسلام من کان باکیاً فقد ضیّعت احکامه واستحلّت غداه حسین للرماح دریئه وقد نهلت منه السیوف وعلت وغودر فی الصحراء لحماً مبداً علیه عتاق الطیر باتت وظلّت احکام الهی، ضایع و محرّمات او حلال شده است.بامدادان، حسین هدف نیزه های نوآموزان بودشمشیرها از او سیراب شد و بالا رفت او رها شد در صحرا چون گوشت پراکنده که بر آن مرغان شکاری صبح و شام سپری کردندهم چنین از آن امام (ع) نقل شده است که به عماره فرمودند:در باره حسین (ع) شعری بخوان و او می گوید: من شعری را خواندم و حضرت گریست. شعر دیگری را طلب کرد و دو مرتبه اشک ریخت و هم چنان من شعر خواندم و او گریه کرد تا نوای گریه را از تمام خانه شنیدم.این وقایع نشان می دهد که چگونه ائمه: اهتمام داشتند که عاشورا را در صحنه ادبیات شیعی، زنده

نگه دارند و از طریق ذوق و هنر، ذائقه انسانی را با خون و عطر عاشورا آشـنا کنند.از شاعران دیگر آن دوره سیّد حمیری است که در خـدمت صادق (ع) چنین سـرود:امرر علی جدث الحسـین فقل لا عظمه الزکیه ما اعظما مازلت من وطفاء ساکبه رویه در پایان قصـیده بود که صدای گریه و ناله از بیت امام (ع) برخاست. این هم نوایی حکایتی بود از تأثیر شـعر شیعی و تشویق بیت معصومین: از شـاعرانی که اسـتعداد خویش در خـدمت حماسه عاشورا قرار دادنـد.منصور نمری – از شاعران دیگر این دوره – سروده بود:تقتـل ذریه النبی ویر جون جنان الخلود للقاتل ویلک یا قاتل الحسـین لقـد بؤت بحمل ینؤ بالحامل ما الشک عنـدی فی کفر قاتله لکننی قد اشک فی الخاذل وای بر شـما! نواده های پیامبر کشـته می شوندآن گاه برای قاتلانشان بهشت جاویدان آرزو می کنندبـدا به حال تو ای قاتل حسـین!بار گناهی که به دوش می کشـی، گران و تحمّل ناپذیر است من در کفر قاتل او شک نـدارم تردیـدم در کفر آنان است که او را در صـحنه نبرد، تنهاگذاردند.بـدین گونه شاعر شـیعی، تفکّر ترویج یافته را با تردیــد و نفی مـواجه می نمایــد. او حکـایت از جوّ فتنـه آلـودی می کنــد کـه قاتلاـن و کشــتارکنندگان، تطهیر شـده انـد و حاکمیّت،اذهان ساده و بسـیط را ربوده است. در این مقام، شعر شیعی است که نه تنها جبهه معارض حسینی، که صحنه عریض و طویل قافله سکوت را نیز با سؤال مواجه می کند.دعبل، شاعر شهید شیعه نیز با این برداشت ها، حادثه عاشورا را عنصر اصلی شعر حماسی می سازد. در قصیده تائیه سرود:مدارس آیات خلت من تلاوه ومنزل الوحی مقفر العرصات افاطم لو خلت الحسین مجدلاً وقد مات عطشائناً بشط ـفرات اذن للطمت الخدّ فاطم

عنـده واجريت دمع العين فی الوجنـات أفاطم قومی یا بنه الخیر وانـدبی نجوم سـماوات بأرض فلاه دیار رسول الله اصـبحن بلقعاً وآل زیـاد تسـکن الحجرات مـدارس آیـات الهی از تلاوت کننـده خالی گشـته انـدو جایگاه وحی الهی به دیار خشک و تهی مبـدّل شـده است.ای فاطمه! اگر با حسـین بر زمین افتاده تنها شدی در حالی که تشـنه در کنار شط فرات به درود گفت در آن گـاه ای فـاطمه! بر چهره چنگ می زدی و اشک دیـده رابر گونه ها فرو می ریختی ای فاطمه! ای دختر نیکی! برخیز و گریه و ناله کن سـتارگان آسمان بر زمین سرزمین رسول خدا کویر گون است و آل زیاد در قصرهای سنگی سکونت گزیده اندشاعر شیعی در این بستر سوز و گداز، عاشقانه سرود. جاودانگی جوشش خون حسینی را در بهارستان ادبیّات شیعی نمایان ساخت و شعر شـیعه را بیـان سوز و درد نسل مظلوم قرار داد.احمـد امین، نگاشـته است: ادبیات شـیعی، ادبیاتی عاطفی و با سوز و گـداز است و آن را، از ادبیات خوارج، که شعری حماسی است، جدا می داند.این نظر مورد تصدیق نیست، زیرا شعر شیعی، عاطفه و حمـاسه را درهم آمیخته است. آن روزگـار، سـوگ و سـرشک در خـدمت نهضت قرار داشت. آن گـاه که شـاعران شـیعی از تضـییع احکام الهی سـخن می گفتند، آیا جز حماسه و خیزش می توان نام دیگر بر آن نهاد. آن زمان که شاعر شـیعی سکوت اهـل مسـجد را در حوادث واقع بر اهـل بیت پیـامبر (ص) یـاد می آورد، جز خروش خشم علیه حکّـام، نـامی دیگر داشت؟ آیا بیهوده بودکه شـاعری چون دعبل، چهل سال دار خویش را بر دوش می کشـید؟بنابر این، بایستی امتیاز شـعر شـیعی را از شـعر معتزلی، که خردگرایانه بود، و شعر خوارج، که

حماسی و برانگیزاننده بود، در ترکیب خرد و عشق و حماسه داشت. در این میان عاشورا به عواطف و انگیزه های قیام، میدان حضور داد و شعر شیعی را، سرشار از عناصر آن ساخت.

حماسه عاشورا در آیینه انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی رهین عاشوراست. از آن مایه، مدد گرفت و نصرت یافت.شخصیت ها، حادثه ها، و کلام و سکوت آن واقعه، درس های رهنمای انقلاب بودند.وجدان امّیت شیعی ایران، آن رویداد را با خون و پوست و گوشت و استخوان لمس کرد.نسل ها گذشت و نام کربلا و عاشورا در یاد و خاطرها عبور کرد. انقلاب، مجال تأویل عینی آن خاطرات را داد.امام خمینی – رهبری کبیر انقلاب – با عاشورا الفتی دیرین داشت، آن حادثه،ایشان را سوگ مندانه در تب و تاب می افکند. اشک امام را جز در مصیبت حسینی، کس بر چهره آن بزرگوار ندید. در هیچ شرایطی از اقامه عزای حسینی روی گردان نشد؛ حتّی در پاریس و در اوج قیام، از ولایت خویش غافل نگشت و حوادث روزمره، او را از اقامه عزای حسینی و خواندن زیارت عاشورا بازنداشت.امام خمینی از آنان بود که اعتقاد وافر داشتند که: هیچ چیز، جایگزین احیای آن شعائر نخواهد شد؛ حتّی جهاد و طلب دانش را نبایستی بهانه نسیان آن قرار داد. یکی از شاگردان امام، نقل کرده اند:«یکی از علما و مدرسین قم، قصد داشتند برای زیارت به عتبات مشرف شوند. در خدمت امام به دیدن او... در آن مجلس، امام فرمودند: شما برای زیارت به عتبات می روید و حوزه علمیه نجف، جای مباحثات طلبگی است، کسانی که به دیدن شما می آیند، ممکن است بحث های علمی راشروع کنند، مواظب باش، بحث های طلبگی، شما را از زیارت بازندارد».امام با این

تلقی، نهضت معاصر را رهبری و ارزیابی می کردند. ایشان جز در پرتو این پیوستگی، توفیق نهضت را غیر ممکن می یافتند. در نامه ای از نجف به اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا مرقوم فرمودند:پانزده خرداد که مصادف با دوازده محرم بود، سند زنده مخالفت شجاعانه ملّت ایران در مقابل استبداد عمّال اجانب و در قبال استعمار چپ و راست بود و از شعله های فروزان نهضت سیّد مظلومان، در مقابل دستگاه استبدادبنی امیّه - علیهم اللعنه - بود. فداکاری ملّت شجاع و متدین ایران در سایه فداکاری حضرت سیّد الشهداء (ع) بود. باید در پناه قضیّه بزرگ عاشورا، محرم و پانزده خرداد زنده و جاوید بماند» در مدید ایّام نهضت هماوایی، علنی تر شد. قیام ۱۵ خرداد در محرّم رُخ داد.سخنرانی امام در عاشورای ۴۲، برای اوّلین بار در نهضت روحانیّت، شخص شاه را مورد تهاجم قرار داد. در آن سخنرانی پرشکوه، هشدار و تهدید کردند:«من به تو نصیحت می کنم: دست از این اعمال و رویه بردار».در همان سخنرانی فرمودند:«عدّه ای از وعاظ و خطبای تهران را برده اند سازمان امنیّت و تهدید کرده اند که از سه موضوع حرف نزنند: از شاه بدگویی نکنند، به اسرائیل حمله نکنند و نگویند که اسلام در خطر است.تمام درگیری ها و اختلافات ما در همین سه موضوع نهفته است. اگر از این سه موضوع بگذریم، دیگر اختلافی نداریم»بدین گونه عاشورا، بستر جریان صحیح نهضت بود تا جهت گیری اصلی را بنمایاند. هواداران راستین خویش را گردآورد و تپش و خیزش را در آنان بیافرینند. واقعه قیام قم در سال ۵۷، در ماه محرّم رُخ داد و این ادّعا را مجدداً مبرهن ساخت. امام با این دریافت، در گرامی داشت

آن واقعه نوشتند:«ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد... ماهی که به نسل ها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت. ماهی که شکست ابرقدرت ها را در مقابل کلمه حق به اثبات رساند...اکنون که ماه محرم چون شمشیر الهی در دست سربازان اسلام و روحانیون معظم و خطبای محترم و شیعیان عالی مقام سیّد الشهداء است، باید حدّ اعلای استفاده از آن را بنماید».شعارهای انقلاب از نهضت حسینی الهام می یافت.آن گفتارها، کلام بیگانه ای نبود تا هاضمه نهضت آن را نپذیرد، صدها سال با آن خو گرفته بود و نسل های متمادی آن حوادث را در یاد نسل آینده، به یادگار نهادند و چنین شد که شعارهای انقلاب اسلامی با امواج وجودی عواطف و شعور ملّت هماهنگ شد و شتاب نهضت را پدید آورد.شعار: «نهضت ما حسینی، رهبر ما خمینی» و ده ها شعار مشابه، از این الگوگیری حکایت داشت.پس از پیروزی و تهاجم گرایش های گروهی، امام از این اصالت دفاع کردند و در لزوم احیا و استمرار سنّت عاشورا تأکید ورزیدند. آن بزرگوار، مسجد و حسینیه ها را متلازم می یافتند. عبادت و عشق و حماسه را در تلقین و تلفیق این دو مرکز می توان یافت. اگر در جامعه شیعی، سنّت عاشورا به فراموشی سپرده شود، راز بقای تشیع در خطر خواهد افتاد وبا این تلقّیات واقع بینانه، در اوج وقایع لانه جاسوسی و پیدایش روح حماسی ضدّ آمریکایی، امام در محرّم سال ۵۸، در لزوم گرامی داشت شعائر عاشورا، کوبنده ترین و مبسوط ترین سخنان را ابراز فرمودند. در بخشی از آن سخنان آمده است: «ائمه، این قدر اصرار کردند به این که مجمع داشته باشید،گریه بکنید... برای این که حفظ

می کنـد این، (گریه وعزاداری) کیان مـذهب ما را، این دسـته جاتی که در ایّام عاشورا راه می افتنـد، خیال نکنند که ما این را تبدیل می کنیم به راهپیمایی.... همان سـینه زنی ها، همان نوحه خوانی، همان ها رمزپیروزی ماست. در سرتاسر کشور، مجلس روضه باشـد. همه روضه بخوانند و همه گریه بکنند. از این هماهنگ تر چه ؟ شـما در کجا سـراغ دارید که یک ملّت این طور هماهنـگ بشود؟ کی اینها را هماهنگ کرده؟ اینها را سیّد الشـهداء هماهنگ کرده است».بـدین گونه امام، تبیین فرمودنـد که نیروی انرژی زای انقلاب، اتکای به نهضت عاشورا است. مقاومت در یک جبهه نابرابر، جز درس آموزی از قیام کربلا ممکن نیست.در عرصه مقابله با استکبار جهانی، چه امید و مددی جز آن می توان داشت. اگر چنان اُسوه ای در یاد نباشد، دیر یا زود رعب و وحشت در دل نسـل انقلاب، ره می یابـد و آینـده ای تیره و تـار در باورها ترسـیم می گردد. پایـداری و اسـتقامت در مقابل ظلمات متراکم فتنه و نیرنگ، کار آسانی نیست. پشتوانه ای مطمئن و آینده ای روشن می طلبد و نهضت عاشورا تضمین گر آن اتکا و امید است.

نقش حماسه عاشورا در ادبیات (شعر) دفاع مقدس

حضور عـاشورا در سالیـان جنگ تحمیلی، توصـیف ناکردنی است. در شب های عملیات، یاد شب عاشورا، ذکر و ترنم لب ها بود. نوار سـر رزمندگان، بازوبند نیروها، رمز عملیات و هزاران سـمبل دیگر را در یاد آن واقعه آذین بسـتند و وقایع کوچک و بزرگ آن رویـداد، تجسّـم عینی یافتنـد. کودکـان، نوجوانـان، پیرمردان و زنـان یـاد آن روز را بـه نمـایش آوردنـد. در وقـایع کوچک و بزرگ جنگ، جز عاشورا تسلّی نبود. مادران داغـدار، یاد جوانان حسـینی را مرهم درد داشـتند. زنان، یاد همسـران شهیدان کربلا را در

خاطر مرور کردند و همگان، مصیبت حسینی را جانمایه هزاران غم و درد نمودند. در تشییع گل های خونین،سرود غم گداز نینوا را نواختند و سرشک میلیون ها هم درد، نه در مصیبت امروز، که درعزای تاریخ مظلومیّت فرو ریختند.رزمندگان وصیت نامه های خویش را با یاد نهضت حسینی متبرک می کردند، از آن درس می گرفتند، آموزه های خویش را باز می گفتند و تفسیر آن حادثه را با زبان روشن و بی تکلّف بیان می کردند. کم تر پیام و خاطره و وصیت نامه ای از نام و یاد عاشورا، فارغ می توان دید. در نگاشته های یکی از این عزیزان می خوانیم:«تو ای حسین (ع) ای تو که معشوقی در مسلخ عشق،صدها عاشقت را به قربانگاه کشاندی، ای سیّد الشهدا (ع)که آخرین شب را از دشمن مهلت خواستی، نه برای وداع با دنیا، با تمام دنائت، که اسفل السافلین، بلکه برای وصال به عقبی با تمام عظمتش... امروز جوانان ما تو را رهنمون راه خویش ساخته اند»و یا در نوشته ای دیگر می یابیم:«خدایا! ما مکتب شهادت را از کسی آموختیم که فریاد«احلی من العسل» این انتخابش بر ما الگو گشت».به برکت عاشورا، ادبیات جنگ شکل یافت. در شعر و سرود و نقاشی و فیلم و تئاتر جنگ، حضور عناصر واقعه کربلا محسوس بود. شاعر جنگ می سرود:دیروزت اگر رو به قتال آوردیم در پاسخ تو زبان لالـل آوردیم امروز به خیمه گاه آن دعوت ناب صد علقمه لبیک زلال آوردیم بدین گونه شعر جنگ از عناصر عاشورا، مدد گرفت. آن حادثه را به روایت آورد و خون در کالبد امت، تزریق کرد. کربلا، یاد آشنایی بود که نسل نو را به سوی خود خواند و ذوق و هنر به کمک آن آمد. صحنه های خون و پیکار، یاد دشت

خونین کربلا را به خاطر آوردند و شاعران سرودند:دزفول به نینوای خون می ماند هر خانه به نخل سرنگون می ماندسکوت و قعود مخاطبان حسین (ع)، جانگداز بود و اینک انبوه بسیجیان، شوق آور نمود. در بیان شعر، لبیک نسل نو ترسیم گردید. آنان که در کربلا نزیستند، امّا شور آن،زیستن و مردنی دیگر به آنان داد. آنان گفتند:کربلا را خبر مرگ سواران سکوت مردم از حنجره امت ما می آیدشور شهادت طلبی را شعر جنگ از کربلا وام گرفت و حادثه عاشورا را در خدمت آن قرار داد. شاعر جنگ، از صدها و هزاران واقعه کمک می گرفت که در آن حادثه رُخ داد و از آن جمله:از کربلا می آیند، بی سر، ولی سرافراز در مکتب حسینی سرها طلایه دارست از دیدگاه بر در خون می چکد سراسر این آستان خاموش پوشیده از غبارست حلاج و دار معراج خونین ترین حماسه است ای خیل نابکاران، این قوم سر به دار است انبوه سر به دار، در پناه آن سر طلایه دار قوّت مقاومت یافت. نبرد طولانی و پر افت و خیز، جز در اقتدای به آن قیام، غیر میسور بود و این الگو واتکا، نعمت مبارک برای مقاومت امّت شد. نسل جنگ، پیام عاشورا را شنید و در راه آن مایه گذارد. حدیث عشق را از سؤال برون دانست و در میدان بلا، رقص خون کرد و خدا را خونی های خویش یافت. او در چهره خمینی، نوای مظلومیّت حسین را مکرر دید و در پاسخ آن، اهمال نکرد.شاعران، این دریافت را عرضه کردند:به هوش باش که تاریخ می شود تکرار صدا، صدای حسین است کز جماران است چاووشان جنگ و جهاد، از: «یک یا حسین دیگر» سخن گفتند و

داغـداران عاشق،مرهم زخم هزار ساله را در حضور بی دریغ، درمان کردند. خون و بوی و یاد و تربت و مزار حسـینی، دل بود و جـان سـتاند و از خاک گلگون، سـتاره های فلک گردون ساخت تا بدرخشـد و بماننـد: (کل شـی ء هالک الاّ وجهه).اینک برای امروز و روزهای دیگر، نبایستی از آن پشـتوانه، غافل شد و در خود، تنید و از عاشورا برید. امّت مظلوم، با مکر و فریب و قدرت و تزویر، درگیر خواهد بود و در اوج ناکامی ها، یاد و خاطر حادثه کربلا، بانگ جَرَس غافلان است و امید بیداران.

اسوه های اخلاقی در حماسه عاشورا

اشاره

«اخلاق جایگزینی عادت های شایسـته به جای ناشایسـته است عادت هایی که شرع مقدس اسلام جزئیّات آن را مشخّص کرده است» اخلاق بخشی از حکمت عملی است که در حوزه فرهنگ اسلامی عبارت از این است که امور مربوط به خود و خانواده و جـامعه و سـیاست برنـامه ریزی شود و چنین اخلاـقی را کتـاب و سـنّت می سازد و در رفتار بزرگان تبلور پیـدا می کنـد.»در زنـدگی امامـان شواهـد بسـیاری داریم که آنـان در عین حـال که تعـالیم انسـان دوسـتانه را یـاد می دادنـد «خود نیز در مقاطع مختلف، در گرمـای ظهر و سـرمای سـخت نیمه شب، دست به عمـل زده در هر مقیاس که ممکن بوده است خوراک و وسـیله زنـدگی برای بینوایان حمل می کرده انـد.» پیروان خود نیز عملاً تعلیم می داده اند. خاندان ولایت و یاران با وفای حسـین (ع) در قضـیّه کربلاـ نیز همان طور که در رعایت آداب و دسـتورات اخلاقی و انجام امور شایسـته مظاهر اخلاق بودنـد، در تـدبیر، سیاست، اجرای احکام عبادی و تربیتی نیز بهترین سـرمشق به شـمار می آمدند. آنان به جهانیان آموختند که فرامین قرآنی تنها برای

گفتن و نوشتن و شنیدن نیست بلکه برای اجرا و عمل است.» آنان در صحنه پیکار حضور یافتند و با آفریدن حماسه ای عظیم تعهّد خود را به انجام رسانیدند.اینک به اختصار به توضیح ارزش های اخلاقی نظیر مروّت، ایثار و فداکاری که برجستگی بیشتری دارند می پردازیم:

مروت

حسین (ع) با دشمنان به شیوه پدرش علی (ع) رفتار می کرد. سیراب کردن آنان به هنگام تشنگی و پرهیز از ترور و غافل گیری، نمونه های روشنی از مروّت است. حسین (ع) نیز با این که از فسق و فجور و خباثت شمر بن ذی الجوشن و اهانت وی به حریم ولایت آگاه است پیشنهاد حمله ناگهانی سپاه خود را رد می کند و می گوید: «ما هرگز شروع به جنگ نمی کنیم؛ و لو به نفع ما باشد.»

ایثار

ایثار، عاطفه ای است اخلاقی، انسانی و اسلامی که در حادثه کربلا به اوج خود رسید. از خودگذشتگی ابو الفضل العباس (ع) در ننوشیدن آب تجسّمی از ایثار بود. وی پس از دفع مزاحمان به شریعه فرات رسید. هنگامی که مشک را از آب پر کرد با این که خود نیز تشنه بود به یاد تشنگی مولایش از نوشیدن آب منصرف شد. آن را ریخت و آنچه بر دلش گذشت، بر زبان جاری کرد (رجز خواند) و چنین گفت: «عبّاس! حسین (ع) درخیمه تشنه است و تو می خواهی آب گوارا بنوشی! به خدا قسم... رسم برادری، رسم امام داشتن، رسم وفاداری چنین نیست.» ابوالفضل مظهر وفا بود. نمونه دیگر عُمر بن قروی انصاری بود که خود را به هنگام نماز در برابر پیکان های کفّار سپر ابا عبدالله (ع) قرار داد و از پا درآمد... وی در عین حال تردید داشت که وظیفه اش را انجام داده و به عهدش وفاکرده است.

مساوات

اصحاب حسین (ع) ترکیبی از آزادگان و بردگان آزاد شده بود و شیوه رفتار امام هم نسبت به نقش آفرینان و ایثارگران یکسان بود. رنگ، قومیّت، موقعیّت و نژاد آنان در نظر و قضاوت وی تأثیری نداشت و مساوات حاکم بود چنان که دو نفر از عده معدودی که امام خود را به بالین آنان رسانید برده آزاد شده بودند. «جون» یکی از آنها بود که وقتی به شهادت رسید امام خود را به بالین وی رسانید و حشر او را با «ابرار» که مقامی برتر از متّقین است از خدا درخواست کرد: «خدایا در آن جهان او را با «ابرار» محشور کن.» دیگرمردی رومی است

که وقتی از اسب بر زمین افتاد ابا عبدالله (ع) خون را از جلو چشمانش پاک کرد و صورتش را بر صورت وی گذاشت. این صورت بر صورت نهادن منحصر به همین غلام و فرزندش علی اکبر بود: «فَوضع خَدّه علی خَدِّه... متبسّم الی ربّه...» صحنه خونین کربلا متضمّن پیام های اخلاقی، اجتماعی، توحیدی، اعتقادی، عرفانی، اندرزی و پرخاشگری است که با جانبازی های کم سال ترین (طفل شیرخوار ابا عبدالله (ع)) تا کهن سال ترین مرد (جابر بن عروه غفاری) و زن(زوجه عبدالله بن عمر کلبی) تجسّم پیداکرد و هر یک عهده دار نقشی بودند در آن روز هیچ کدام از اصحاب حسین (ع) در برابردشمن ضعفی از خود نشان ندادند، فرار نکردند و به سپاه دشمن نپیوستند.

انتخاب انقلابی حر

بر عکس نیروی جاذبه، ایمان و شیوه رفتار امام در امر به معروف عملی سبب شد که «حرّ» را که نامزد امارت بود وادار به توبه کرد و در زمره (التّائبون العابدون الحامدون السائحون الرّاکعون السّاجدون الآمرون بالمعروف والنّاهون عن المنکر) قرار گرفت او در بروز حال توبه و توجّه تام به خدا و اولیای او و قطع علاقه دنیوی عاقبت به خیر شد و سرمشق دیگران گردید وی پس از توبه با اجازه امام در مقابل مردم ایستاد و گفت: شما همان کسانی هستید که به وسیله نامه به وی وعده یاری دادید، پیمان شکنی آنان را زشت و ننگین شمرد و پس از اتمام حجّت ها جنگید تا به شهادت رسید و این چنین موردتفقّد حضرت ابا عبدالله (ع) واقع شد: «و نعم الحُرّ حُرُّ بنی ریاح؛ این حرّ ریاحی چه حرّخوبی است.» قدردانی و ارج نهادن به عمل شایسته مؤمنی که

برای حاکمیّت فرمان اساسی «امر به معروف و نهی از منکر» تا پای جان می ایستد خودش امر به معروف است و موجب می گردد که دیگران نیز به انجام امور شایسته راغب گردند. از جمله کسانی که حسین (ع) خود را به بالین آن رسانید ابو الفضل العباس بود. وی یادگار شجاعت امیرالمؤمنین (ع) است و مورد علاقه شدید ابی عبدالله (ع) که عبارت های عباس جانم،بنفسی انت (ای جان من به قربان تو) نشان گر دره محبّت اوست. عبّاس (ع) در آن هنگام که سر گرم پیکار است، برادر به حال انتظار ایستاده است که ناگهان فریاد مردانه ابا الفضل راشنید. خود را به بالین او رسانید از دیدن پیکر قطعه قطعه شده عبّاس و کشتار بی رحمانه یزیدیان به قدری منقلب گردید که «چهره حسین (ع) شکسته شد: «بان-الانکسار فی وجه الحسین» از میان کسانی که حسین خود را به بالینشان رسانید هیچ کدام وضعی دل خراش تر و جانسوزتر از اباالفضل العباس (ع) نداشت.»هنگامی که فرزندان و اصحاب امام وظیفه خود را انجام دادند و دعوت حق راپاسخ گفتند و به درجه والای شهادت رسیدند، امام در حالی که ارواح پاک آنان را مورد خطاب قرار داد، پیروزی معنوی سپاه اسلام را به آنان نوید داده و نفرت و انزجار دایمی جهانیان را یادآور گردید: «ای ارواح پاک برخیزید، ستم گران و ناکسان را بنگرید که چگونه در عین غلبه متلاشی و مغلوب گشته اند و برای همیشه شکست خورده اند و برای ابد منفور گشته اند» ظاهراً از اصحاب و فرزندان امام به جز حضرت سجاد (ع) - که در بیماری به سر می برد - کسی باقی نماند. لذا خود حسین (ع) آماده رفتن

به قربـان گـاه شد.حضـرت ابـا عبـدالله (ع) در دقیقه هـای آخر زنـدگانی خود آنان را از چنین پایانی بیم داد: «به خـدا اگر مرا کشتیـد به جان یک دیگر می افتیـد و خون یک دیگر را می ریزیـد، امّا خـدا به این کیفر بر شـما بسـنده نخواهـد کرد، عذابی سخت برای شـما آمـاده خواهـد سـاخت.»امام به خاطر پاسـداری از حریم مقـدّس اسـلام و ارزش های گران بهای آن در هیچ شرایطی جزع و بی تابی نکرد و تسلیم قدرت طلبان و زورگویان جائر نشد و کشته شدن و اسارت خاندان را به جان خرید و به عهد خود وفا کرد و شـهادت را عاشـقانه پذیرا شد و به سوی محبوب شتافت. حسین (ع) با شهادت خود از یک سو راه مبارزه بـا بیـدادگری، فسـاد و نـاجوانمردی... را نشان داد و از سوی دیگر با خصـلت های عالیه انسانی راه وصول به کمال و تقرّب به حق را آموخت و پرچم حقّانیت و عظمت تشیّع را به خواهرش زینب کبرا (س) سپرد.

بانوی کربلا

زینب (س) کـاروان سالاـر است. وی نمونه اعلا و الگوی تمام عیاری از چگونگی حرکت انسان به سوی کمال است و پس از برادر مسـئولیّت ادامه نهضت پرخروش حسـین را بر عهـده دارد، پرسـتاری از حجّت خـدا، امام زین العابـدین (ع) نیز با اوست. هنگامی که اهل بیت را در بدترین و نامناسب ترین شرایط به کوفه می آورند در مدخل کوفه زینب (س) دختر با فضیلت علی و فـاطمه می درخشـد. وی در حـالی که شـجاعت و عفّت و پـاکی زنـانگی درهم آمیخته بود ضـمن القای خطابه ای برای اهل کوفه تلخ کامی و غم و اندوه دایمی را می طلبد (نفرین می کند) و آنان را متوجّه این واقعیت می کند که

چگونه تحت تأثیر نفس پر فریب قرار گرفتند و بازیچه امیال جنایت کاری شدند و ننگ کشتن فرزند پیغمبر را بردوش کشیدند و برای همیشه به عذاب الهی گرفتار شدند. زینب (س) خطابه خود را بدین گونه آغاز می کند:«هرگز اشک های شما خشک نشود و شیونتان آرام نگیرد...ننگ کشتن نواده خاتم پیغمبران و سالار فرستادگان را چگونه می توانید بشویید؟»آری اسرای دودمان رسول اکرم (ص) با تبلیغات سوء عمّال یزید به عنوان خارجی به کوفه وارد شدند امّا «آنها هرگز به صورت یک جمعیت شکست خورده درنیامدند و دنبال همان هدف حسینی بودند.» زینب (س) بانوی خردمند بنی هاشم با تکیه به نیروی معنوی و عظمت روحی اش ترسی به خود راه نداد و با کمال شجاعت کوفیان عهدشکن و ابن زیاد پلید بی رحم سرکش و یزید مقتدر مستبدّ تبه کار را رسوا کرد.

رسالت امام سجاد

امام زین العابدین (ع) در نابسامان ترین دوره امامت ائمّه اطهار: می زیست.پس از واقعه عاشورا و آغاز خلافتش همراه اسرا به اسیری برده شد. در مدخل کوفه زینب (س) خطبه ای ایراد فرمود که به بیداری و آگاهی اهل کوفه و کارگزاران یزید انجامید و موجب تأثّر، سرافکندگی و پشیمانی آنان گردید و زمینه درخشش امام چهارم (ع) را درمسجد شام فراهم ساخت. وی در حضور یزید بن معاویه با سخنرانی خود در باره تصحیح فرهنگ سیاسی جامعه و تبیین اسلام و رهبر اسلامی و پیشوای قرآنی موضع خود را تشریح کرد. امام در مدت سی و چهار سال امامت خود مسائل مختلفی مربوط به جامعه را در قالب صحیفه سجّادیه نشر داد و خاطرات عاشورا را زنده کرد.امام از موضع حق حراست نمود و در مراقبت بر جریان های داخلی جامعه

اسلامی همّت گماشت و به پرورش فرزندی که پس از وی به امر خدا امام خواهد بود توجّه داشت و «از تربیت فرزند دیگر خویش زید بن علی بن الحسین (ع) که به عنوان پرچمدار انقلاب خونین دیگر زیر نظر امام خود باید به پاخیزند تا تبلور عاشورا کاستن نگیرد غافل نبود.» حادثه عاشورا و نهضت امام حسین بسان خورشیدی سرچشمه فیض بخشی در عرصه ها و سطوح مختلف برای آزادگان – به ویژه شیعیان – گردید. خون «مطهّر حسین (ع) و یارانش بر زمین ریخت، امّا از آن خون درخت آزادی و آزادگی رویید... و این نهضت سرچشمه صدها نهضت دیگر شد که در تاریخ اسلام پدید آمد مانند: نهضت توّابین،مختار ثقفی، زید بن حسن، شهدای فخ و... و تا هم اکنون نیز هر نهضتی که علیه ستم و تباهی و روش های بیدارگرانه در دنیای اسلام و شیعه پا می گیرد.»

عظمت قیام امام حسین

نهضت امام حسین (ع) نهضتی مقدّس، متعالی و روحانی بود، پاکی، خلوص،بی اعتنایی به دنیا، بری بودن از اغراض شخصی و آز و جاه طلبی و خودخواهی از ویژگی های این قیام است. انقلاب آن حضرت درس قسط، عدالت، توحید، شرافت، ایثار و فداکاری به مردم داد.فرزند پیامبر (ص) با خون خویش درخت اسلام را که رو به خشکیدگی گذاشته بود،آبیاری کرد و در تاریکی ظلم و فساد بنی امیه درخششی به وجود آورد که آن محیط ظلمانی را نور و روشنایی بخشید و بزرگ راه سعادت را نمایان کرد و ابرهای تیره و تاری از آسمان بر جوامع اسلامی؛ بلکه انسانی پراکنده شد و چهره اسلام را چنان که هست بر جهانیان آشکار ساخت. به همین جهت

است که سوره «الفجر» سوره «الحسین»نامگذاری شده است.از امام صادق (ع) نقل شده است که این سوره درباره حسین (ع) نازل شده و سوره حسین (ع) است و چون آن جناب با اخلاص کامل در راه خدا خاندان و اموالش را فدا نمود، بااطمینان و اشتیاق فراوان به دیدار معبود خود شتافت و مصداق واقعی «نفس مطمئنه» واقع شد و در نزد پروردگار در جوار رحمتش قرار گرفت. لذا امام صادق (ع) فرمود: مقصود از«نفس مطمئنه» حسین و یاران اوست که صاحب نفس مطمئنه اند که در روز قیامت رضوان خدا برای ایشان است و خداوند از ایشان راضی است.او کسی است که با نیل به درجه رفیع شهادت جاودانگی یافت، به میزانی که در راه موضوعی فدا و فانی می شود ارزش آن را به خود می گیرد و کسب می نماید.حسین بن علی (ع) کسی است که تمام هستی و متعلقات خویش را با اخلاص در راه خدا که اصل و منشأ تمام کمالات و تقدّس هاست، فدا و فانی نموده است. پس جای شگفتی نیست که بگوییم تمام تقدّس ها و کمالات و جاودانگی به وجود فدا شده اش انتقال یافته است هم چنین بی جهت نیست که محبّت و عشق به آن حضرت در دل های مؤمنان جایگزین شده به همان گونه که محبّت و علاقه به خداوند در آن دل ها جای دارد.از رسول اکرم (ص) نقل شده است: «همانا برای شهادت حسین (ع) حرارتی وجود دارد که هیچ گاه سرد نمی شود.» و نیز فرمود: «برای حسین (ع) در دل های مؤمنان محبّتی است.»آری! حضرت سید الشهداء (ع) - که از روی خلوص به پیشگاه معبود خویش سر عبودیّت فرود آورده و بر آن

مداومت ورزیده - به اوج کمال و قرب ذی الجلال رسیده و آن قدر شرافت و قداست پیدا کرده که صحیح است او را به خدا نسبت دهند، مثلاً بگویند: دست او دست خدا، خون او خون خدا و گوش و زبان و چشم او گوش و زبان و چشم خداست و این بدان جهت است که توجه به خدا، فداشدن در راه او و استمرار بر طاعتش،چنان انقلابی در وی به وجود آورد که عظمت خداوندی به او نسبت داده می شود، زیرا او از معنویت ارتباط با خداوند متأثّر گشته است. در این باره حدیثی از امام باقر (ع) نقل شده است که همین معنا را می رساند و می فهماند که آدمی با رشته ارتباط و بندگی خالصانه خدا به مقامی می رسد که در فکر نگنجد و شرافت و قداست و ابدیت ذات اقدس ربوبی او را متأثّر می سازد و آن خصوصیات به او انتقال می یابد:«... ان الله جل جلاله قال: ما تقرّب الی عبد من عبادی بشیء أحب الی ممّاافترضت علیه وانّه یتقرب الی بالنافله حتّی أُحِبّه فاذا احببته کنت سمعه الذی یسمع به و بصره الذی یبصر به ولسانه الذی ینطق به ویده الّتی یبطش بها، ان دعائی اجبته و ان سألنی أعطیته».حسین بن علی (ع) که در راه خدا و در راه افکار عالیه اش شهید شد وجود مادّی خود را نفی کرد اما به صورت منبع فضیلت و مرکز شرافت و عظمت وجود جاودانه خود را اثبات نمود عقل و دین حکم می کند که بزرگان و افراد برگزیده را در حال حیات و ممات ارج نهیم و آنان را دوست بداریم و از

یـاد نـبریم و در سـالروز وفـات و شـهادتشان مجـالس یـادبود برپـا کنیم، به ویژه که آن شـخص تمـام هستی خودش را در طبق اخلاص نهاده و از هیـچ فـداکاری در راه خـدا دریغ نورزیـده باشـد.از این جهت است که در اقطار مختلف اسـلامی به نام آن حضـرت اقامه مجالس می کنند و چنین نیست که تکریم و تعظیم آن حضـرت اختصاص به شـیعیان داشـته باشد؛مثلاً در کشور مصـر در روز ولاـدت آن حضـرت و خواهر بزرگوارش حضـرت زینب مجـالس جشن و سـرور برپا می دارنـد ودر باره فضایل ایشـان قلم فرسـایی می کننـد و کتاب ها و مقاله ها می نویسند.حسـین بن علی (ع) برای هـدفی بس عالی در راه معبود خود با نفس نفیس جهاد نمود. برای احیای فضـیلت، رافت و برقراری آزادی و بیداری بشر قیام کرد. پس سزاوار است که تمام جوامع انسـانی – خواه مسـلمان خواه غیر مسـلمان – به پـاس احترام و بزرگ داشت آن شخصـیت عظیم الشأن سـال روز شـهادت آن حضـرت را بزرگ به شـمارند و به سوک و ماتم بنشـینند.او ابر مرد عالم و شخصیّت بسـیار بزرگواری است که تمام مکارم و فضایـل را دارا بود؛ به گونه ای که ابعاد گسترده بسـیار وسـیع جودش همگان را متحیّر ساخته است.از لحاظ نسب نیز کسـی به پایه امام حسـین (ع) نمی رسد: جدّش رسول خدا، سیدالمرسـلین و خاتم النبیین و پدرش علی مرتضی، سیّد الوصیین و مادرش فـاطمه زهرا،سـیده نسـاء العـالمین و برادرش امـام حسـن مجتـبی و عمـویش جعفر طیـار و عمـوی پـدرش حمزه سـید الشـهداء است.فکر او بر محور ابدیت و ماورای محسوسات دور می زند. او شهادت را برگزید و منیّه را بر دنیّه و کرامت قداست را

بر لئامت اطاعت بدسگالان و نابکاران ترجیح داد.فرزند پیامبر (ص) چندان ثبات و استقامت و شجاعت و بردباری و صبر از خود بروز داده که نظر همه متفکّران و بزرگان را به خود جلب نموده و همگان در برابر عظمتش سر تعظیم فرود آورده اند. هر کس که در باره احوال و رفتار آن حضرت مطالعاتی داشته باشد غیر ممکن است مجذوب فضایل و شخصیّت او نگردد و از مصایبی که برای نجات اسلام و بشریت متحمل شده متأثر و اندهگین نشود.

عاشورا «یوم الله» است

روزهایی که در آن روزها وقایع مهمّی انجام می شود و مسیر تاریخ در جهت رشد و کمال تغییر می نماید و سبب می شود که تحوّل در اجتماع به وجود آید و مردم راه فضیلت و سعادت را در پیش گیرند، «ایام الله» نامیده می شود. در قرآن مجید در دو مورد (سوره ابراهیم آیه ۵ و سوره الجاثیه آیه ۱۴) ایام الله ذکر شده است.از ابن عباس روایت شده است که منظور از آن روزهایی است که در آن روزها در امم پیشین وقایعی مهم رخ داده است واضح است که منظور وقایعی است آموزنده که بدان وسیله مردم از جهل و غفلت رهایی یافته اند و دگرگونی در تمام شؤون زندگی شان پدید آمده است. چون شهادت سبط پیامبر (ص) و یارانش در روز عاشورا باعث شد که حقایق، آشکار شود و اسلام تجدید حیات نماید، ستم گران رسوا شده و تغییر اساسی در جامعه اسلامی به وجود آید، آن روز «یوم الله» به حساب آمد. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که عاشورا از «ایام الله» است. این روز به اندازه ای اهمیّت داشته که به امم پیشین

نیز معرفی شده تا آنان نیز نتایجی را که بر این روز عظیم ترتّب می یابد درک کننـدو آن را پاس دارنـد.در حدیث مناجات حضرت موسی (ع) آمده است که حضرت موسی (ع) عرض کرد:خدایا! به چه جهت امّت پیامبر خاتم را بر سایر امم برتری داده ای؟ خداوند فرمود: ده خصلت است که موجب برتری ایشان شده است. موسی (ع) گفت: آنها کدامند تا به بنی اسرائیل دستور دهم که به آنها عمل کنند؟ فرمود: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، جمعه،جماعت، قرائت علم و عاشورا. حضرت موسی (ع) پرسید: عاشورا چیست؟ فرمود: گریه کردن و خود را به گریه واداشتن بر سبط پیامبر خاتم است. از این حدیث برمی آید که اهمیّت دادن به عاشورا و بهره مند شدن از آثار آن روز عظیم، در ردیف صلاه و صوم و سایر مبانی مهم اسلامی است و این بدان جهت است که اگر واقعه عاشورا و شهادت فرزند پیامبر (ص) نبود از اسلام واقعی و صلاه و صوم و سایر ارکان اسلام اثری بر جای نمی ماند.

نتیجه گیری

امام حسین (ع) برای نسل های پس از خود میراثی گران بها به یادگار گذاشت.مسلمانان اندیشمند و مخلص به طور مسلّم از ایثار و استواری امام و یارانش بهره ها برده اند، چرا که از جان گذشتگی این افراد بود که سبب تقویت و تحکیم.مبانی اسلام شد به این ترتیب اسلام توانست در برابر هرگونه اتفاق ناگوار – چه در داخل جامعه اسلامی و چه خارج از آن – ایستادگی کند و از آن پس تفرقه، از هم گسیختگی یا اعمال عوام فریبانه نتوانست مانع از پیشرفت اسلام شود. امام حسین (ع) با قیامش، منتهای جانبازی و ایثار

را به نمایش گذاشت. آیا امکان دارد این جانفشانی، برای نسل آینده عبرت آموز نباشد و به یادگار نماند؟ این پرسشی است که باید بدان پاسخ گفت.نخست: به نظر طرفداران احیای دین، قیام امام حسین (ع) الهام بخش کاروان گمراه شدگان در بازگشت به مسیر حق است. امام حسین (ع) سرمشق کسانی است که می کوشند مستضعفان را از قید حکومت های ستم پیشه آزاد کنند و برای انسان هایی که در پی رهایی از چنگال مستبدان هستند، کربلا تجلی گاه قدرت است.دوم: واقعه کربلا به انسان می آموزد که می بایست در مبارزه برای حقیقت و آزادی،جان خویش را نثار کند. امام حسین به بشریّت آموخت که حکومتی که بر بی عدالتی و استبداد استوار باشد سزاوار تبعیت نیست و بر مؤمنان فرض است که نقض بشر جلوگیری کنند.سوم: این حقیقت آشکار می شود که پیروان اسلام، آن زمان که مبارزه (علیه کفر و نادرستی) را آغاز می کنند نباید به نتایج آن بیندیشند. تنها شرط مبارزه آن است که مؤمن، با صداقت و خلوص، قدم به میدان مبارزه گذارد.چهارم: هنگامی که مجاهدی برای تفوق و برتری اسلام در تمام جوانب زندگی می کوشد، نباید اجازه دهد مشکلات یا فقدان وسایل او را از هدفش بازدارد. او با ایمانی راسخ به پروردگار و با گام های استوار می بایست در راهی که انتخاب کرده است پیش رود.پنجم: هنگامی که مسلمانی به مبارزه با نادرستی و ظلم برمی خیزد نباید به آنچه برای خود، خانواده و اموالش پیش خواهد آمد بیندیشد، زیرا ممکن است این مسائل خللی در کارش ایجاد کند. وی باید به خاطر داشته باشد که در پیمانی که با خدای خویش می بندد برای جلب رضای او و نیز

راه یافتن به بهشت از همه وابستگی های خویش می گذرد.ششم: ایستادگی امام حسین (ع) و دستاوردهای ایشان این اصل کلّی قرآن را اثبات کرد که وضع هیچ قومی بهتر نمی شود، مگر آن که خود برای دگرگونی وضع خویش به پاخیزند. به بیان دیگر: تغییر یک قوم بی آن که خطاها را از خود دور کنند و در برابربی عدالتی قیام کنند عملی نیست.هفتم: پیامدهای شهادت امام حسین (ع) به دنیا نشان داد که بنابه نص صریح قرآن مجید دروغ و نادرستی نابود می شود و پیروزی از آن حقیقت است. بی شک پیامدهای آنی مبارزه امام حسین (ع) فجیع و غم انگیز بوده است، امّا در نهایت امام (ع) و پیروان عدالت که ایشان را همراهی می کردند، افتخار و پیروزی را از آن خود ساختند و این مبارزه سرانجام با پیروزی حق خاتمه یافت.هشتم: وفاداری امام حسین (ع) به اسلام به عنوان دین و نظامی جهانی، اعلان جنگی بود به آنان که اسلام را به چهار دیواری مساجد محدود می کردند. آن حضرت صمیمانه معتقد بود که اسلام آن نور هدایتی است که جاه طلبی ها و امیال شخصی نمی بایست در اعمال قوانین آن و اشاعه آن نقش داشته باشد. لذا بنا به اعتقاد ایشان هدف اسلام، رشد بشر بود، نه استثمار او. لذا وظیفه هر مسلمان پارسا و پرهیزگار، در راه تحقق جهانی شدن اسلام، رها سازی اسلام از قید تنگ نظری ها و کوته فکری ها سیاسی بود که افراد خود محور و کوته بین برای آن ایجاد کرده بودند.کلام آخر آن که این ندا در صحرای کربلا طنین انداز شد که: «وفاداری به ستم کاران، بزرگ ترین جنایت ها است».

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹